

خیلواکی



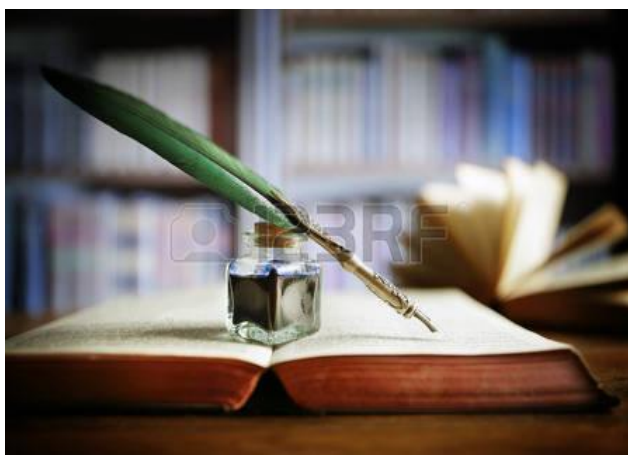
استقلال

www.esteqlaal.net

پنجشنبه ۱۰ دسامبر ۲۰۲۰

ملالی موسی نظام

زنان داستان سرای افغان و ظهور ادبیات داستانی



قسمت دوم

دههٔ چهل شمسی را نقطهٔ عطفی باید دانست. دههٔ چهل جدا از ادبیات داستانی که نسبت به دورهٔ قبل به رشد و نبوغ و بالندگی می‌رسد، در شعر، نقد ادبی و دیگر عرصه‌های هنری، تفکر اجتماعی و سیاسی، خیزش دوران «۱» جدید است که بیشتر متأثر از جریان‌های سیاسی و اجتماعی ایران پس از کودتای ۱۳۳۲ می‌باشد.

با توجه به حرکت زمان و اوضاع جهانی، از دههٔ چهل تا کنون با تمام دشواری‌های سیاسی و اجتماعی اوضاع افغانستان، داستان نویسی به رشد و بالندگی خود ادامه می‌دهد، به طوریکه امروز شاهد تلاش‌های داستان‌نویس‌های زیادی هستیم.

دگرگونی و تغییر بینش فکری نویسندگان در این دهه، داستان کوتاه را از زیر نفوذ رمانتیزم بیرون می‌آورد و واقع‌گرایی در داستان‌ها، جاگزین می‌کند و قهرمان تبدیل به شخصیت می‌شود. شخصیت از مردم کوچه و بازار در داستان ظهور پیدا کرده، نویسندگان با گوشه‌چشمی به ادبیات ایران و شوروی با تکنیک‌های جدیدتری شروع به نوشتن داستان می‌کنند. (هر چند که

سلطه رژیم های حاکم بر افغانستان، توطئه کشور های خارجی و تسلط فیودال ها بر جامعه بسته افغانستان، اشغال کشور توسط قوای شوروی سابق و امروز با پدیده نو ظهور و عنیف، همگی سهم مشترکی در تقویة روندی که عمر آن بیشتر از پنجاه سال است، دارند).

همان طوری که ذکر به عمل آمد، در این اثر نویسندگان داستانی زن و مرد افغان حتی المقدور جمع آوری و با نمونه ای از آثار شان معرفی گردیده است؛ با روشنی ای مختصر بر تاریخچه ادبیات داستانی، چون بیشتر توجه بر داستان سرایان زن افغان و حتی المقدور نمونه هایی از آثار شان است، با اجازه می بینیم که در اثر فوق چند نمونه از زنان داستان سرای افغان معرفی گردیده است):

خانم های داستان نویس افغان در کتاب «داستان های امروز افغانستان» به نوبت عبارت اند از: ۱ خانم سپوژمی زریاب با معرفی اثر «تذکره»، ۲ - خانم دنیا غبار با معرفی اثر «گذشته های من»، ۳ - خانم مریم محبوب، با معرفی اثر «خانه دلگیر»، ۴ - ملالی موسی با معرفی اثر «نیم تاج هوس».

چون این چهار نویسنده زن افغان، در کتاب خاص معرفی زنان داستان نویس افغانستان - «روایت» با تعداد بیشتر نویسندگان زن، هم چنان معرفی و ذکر گردیده اند، میتوانیم در قسمت تحقیق آن اثر از آنان هم یاد نمائیم.

در صفحه اول کتاب «روایت - سال نشر ۱۳۸۸ ش» قبل از آغاز مبحث، نویسنده اثر آقای محمد حسین محمدی، تحت عنوان «قصه شهرزاد افغانی»، مینگارد:

نگاهی به جریان داستان نویسی زنان در افغانستان:

(نود سال از چاپ داستان گونه معاصر افغانستان «جهاد اکبر - ۱۲۹۸ ش» نوشته مولوی محمد حسین پنجابی میگذرد و درین سال ها نویسندگان زیادی نوشته اند تا داستان در افغانستان تثبیت شود و امروز به ما برسد؛ اما متأسفانه در این روند زنان داستان نویس سهم اندکی داشته اند.

ماگه رحمانی (احتمالاً متولد ۱۲۹۰ شمسی) اولین خانمی است که در حوالی سال های ۱۳۲۰ وارد عرصه مطبوعات و سیاست شد. او با مقالات اجتماعی - سیاسی اش به عنوان اولین زن فعال در عرصه سیاست و مطبوعات افغانستان مشهور است. نهضت زنان روشنفکر در همین سال ها آغاز شد که ماگه رحمانی از پیش تازان این نهضت به شمار می رفت. این نهضت جداً از جنبه سیاسی - اجتماعی اش، فعالیتی در راستای حضور هرچه بیشتر زنان افغان در امور سیاسی، اجتماعی و دفاع از آزادی زنان، بر ادبیات معاصر افغانستان نیز تأثیر گذاشت و به پویایی و بالندگی آن کمک

نمود. **ماگه رحمانی** اولین زن داستان نویس افغانستان نیز هست. از داستان های کوتاهش می توان به داستان عاشقانه «عشق شاعر» و «شهباده قلب» و داستان تاریخی «باغ بابر» اشاره کرد. **ماگه رحمانی** در ادبیات پیرو نویسندگان قبل از خود است و چیز جدیدی بر داستان نویسی ما نیفزوده است. او با خارج شدنش از کشور، بسیار زود از عرصه سیاست و فرهنگ افغانستان دور شد. (جلالی ۱۳۸۷). پدر وی از مشروطه خواهان طرفدار رژیم امانی بود که از جانب حکومت وقت محبوس سیاسی شد و مادرش اهل روسیه بود.

رهنورد زریاب در باره او در نامه برایم نوشت: «او در اواخر دهه ۳۰ شمسی همراه با شوهرش که انگلیسی بود، از افغانستان خارج شد و دیگر بر نگشت و چیزی هم پس از آن ننوشت. حالا (۱۳۸۲) هم در «۲» انگلستان زندگی می کند.

بعد از **ماگه رحمانی** می توان از **رقیه ابوبکر** (تولد ۱۲۹۸ شمسی در شهر کابل) نام برد که داستان نوشته است. خانم رقیه ابوبکر حبیب که به یک فامیل با فضل و دانش متعلق بود، بیشتر مترجم و ادیب شناخته شده است تا داستان نویس؛ از آثار او بر علاوه بر قطعه های ادبی «گل های خودرو» - منتشره (روزنامه اصلاح - ۱۳۳۲ شمسی) از داستان «زمرد» هم می توان یاد کرد. نامبرده دارای تعلیمات در حد لیسانس ادبیات بود و در مقامات دولتی، مخصوصاً مؤسسه خیریه نسوان «میرمنو تولنه» سوابق طولانی داشته است. خانم رقیه حبیب بعد ها در انتخابات منحیث وکیل از شهر کابل برگزیده شده و یکی از شخصیت های لویه جرگه قانون اساسی هم شناخته میشود. وی اولین زن نطق در رادیو کابل است که با چادری به وظیفه حاضر میگردد.



محترمه رقیه ابوبکر حبیب

پسائتر، تا آغاز دهه چهل شمسی که آغاز رواج داستان کوتاه در افغانستان است، دیگر از هیچ خانم نویسنده ای، اثری منتشر نگردید و یا من ندیده ام. بعد تر در سال ۱۳۴۲ شمسی، **پیمانہ** اولین مجموعه جنگ مشترک داستانی است که در افغانستان منتشر میشود. گرد آورنده کتاب، «محمد

موسی همت» به معرفی هژده نویسنده می پردازد که اکثراً داستان های کوتاه شان در مطبوعات چاپ شده بود. از جمله نویسندگانی که همت معرفی می نماید؛ می توان از سه خانم نویسنده داستانی : دنیا غبار، ملالی موسی و محبوبه نام برد.

این نویسندگان از لحاظ داستان هایی که نوشته اند، متفاوت اند. برخی یکی دو اثر و برخی بیشتر نوشته اند. رهنورد زریاب یک بار برایم گفت که خانم ملالی موسی از امریکا در نامه ای برایش نوشته است که او در آن سال ها داستان های زیادی چاپ کرده است که در روزنامه انیس روز های پنجشنبه منتشر میگردد. (۱۳۸۲). ولی از وی تنها همان «نیم تاج هوس» را که در جنگ پیمانه آمده، داستان دیگری در دست ندارم. همچنان از خانم محبوبه.

کامله حبیب، از اواخر دهه چهل کار نوشتن را با گزارش نویسی در مطبوعات آغاز کرد و بعد ها به نوشتن داستان پرداخت. از او نیز فقط با داستان کوتاه «وفا» که آنرا یک سرگذشت واقعی خوانده است، در تاریخ ادبیات ما یاد میشود و داستان دیگری از وی در دست نمی باشد.

چون سوانح تعدادی از خانم های داستان سرا برای این مبحث طولانی تر است، به قسمت هایی از نکات مهم برای معرفی شان، روشنی می اندازیم.

سپوژمی زریاب: پسان ها در دهه چهل ۱۳۴۸، اولین داستان «سفر بری» را با امضای سپوژمی رؤوف منتشر می کند. سپوژمی با همان داستانش نشان داد که نویسنده مستعدی است.

او بخش های زیادی از داستان های کوتاه و رومان در «کشور دیگر» را در سال های ۵۰ شمسی نوشته است. او که اولین خانم رومان نویس افغانستان است، از همان ابتداء نه تنها در بین زنان نویسنده، بلکه در داستان نویسی افغانستان یک نویسنده شاخص بوده و هست.

او در وارد کردن احساسات زنانه در داستان هایش حرکت جدیدی را در ادبیات ما ایجاد کرد که هیچ یک از نویسندگان قبل و بعد از او در این امر توفیق نیافته اند. داستان های اولیه سپوژمی فاقد طرح های منسجم و گاه روایت و زاویه دید نامناسب است و در بسیاری جا ها در دامن صراحت گویی و شعار می غلتد، باز هم جزء داستان های خوب آن سال ها می باشد. اما در سال های شصت ما با سپوژمی دیگری روبرو هستیم که راه خویش را یافته است.



خانم سپوژمی زریاب

با انتشار مجموعه داستان های «ش رنگ ش رنگ زنگ ها» در ۱۳۶۳ شمسی و «دشت قابیل»، سپوژمی به عنوان یک نویسنده شاخص و صاحب سبک مطرح می شود. به جرأت میتوان لقب «خانم داستان نویسی افغانستان» را برایش داد. زبان داستان های سپوژمی، مخصوص خود اوست که زبان و نثری است بسیار خوش آهنگ؛ جمله های بسیار کوتاه کوتاه در پهلوی جمله های دراز و نفس گیر که گاهی تغییر ناگهانی در روایت به وجود می آورد.... گاه یک کلمه به شکل چرخشی تکرار می شود و گاه افعال یا یک ترکیب. این خصوصیات را میتوان به خوبی در داستان کوتاه «... و دیوار ها گوش داشتند» و «دشت قابیل» یافت.

نوت:

«۱» - سال های چهل هجری شمسی مصادف است با عصر آزادی های فردی که لاجرم در اکثر روش های آزادگی، منجمله قدرتمندی فکری زنان در تبارز شخصیت و اهلیت شان در زمینه های مختلفه. همان طور که عصر طلایی دیموکراسی ارمان دسترسی به حقوق فردی و اجتماعی را به همراه داشت، با رفع سخت گیری ها و اختناق بر زنان، شخصیت های ادبی مختلفه در ساحات مختلفه درین دوره ظهور می نمایند.

«۲» - خانم ماگه رحمانی که دوستی نهایت قریبی با فامیل ما داشت، زنی بود خیره و بسیار با جرأت اخلاقی. وی همچنان دوستی و همکاری فرهنگی با خانم رقیه ابوبکر حبیب داشت که سال های متوالی دوام نمود.

اینقلم با وجود اینکه آخرین بار در اواخر دهه ۴۰ هجری شمسی و بعد از ایام طفولیت، در شهر بیروت موفق به دیدن خانم ماگه رحمانی گردیدم، با آنهم گاهی احوالش را تلفونی از لندن می گیرم. البته نمبر تلفون وی را با اجازه وی به آقای زریاب و حسین محمدی هم ارسال داشتم.

پایان قسمت دوم